گزارش

## صنعت مرغداری گیلان در کما

■ استان گیلان یکی از تولیدکنندگان اصلی مرغ ماشینی در کشور محسوب می‌شود، استانی که توانسته رتبه اول کشور در این صنعت را به خود اختصاص دهد اما با توجه به داشتن مرغداری‌های متعدد این استان چند روزی است که مردم برای تهیه مرغ ماشـینی به همه جای شـهر سرک می‌کشند تا شاید چند کیلویی مرغ تهیه کنند، در این چند روز در ویترین غذاخوری‌ها و رستوران‌ها خبری از کباب مرغ نیست و این امر تعجب همه را برانگیخته اسـت و همه از هم می‌پرسـند که جریان چیست؟

قیمت مرغ رفته‌رفته سـیر صعـودی خود را می‌پیمود تا به مرز شش‌هزار تومان رسید، گفته می‌شود که علت اصلی آن بالا بودن قیمت ذرت، گندم، سـویا و... اسـت که جـزو غذاهای اصلی مرغ محسوب می‌شود و سازمان صنعت، معدن و تجارت اسـتان گیلان دسـتور داد که از تاریخ دهم‌تیر مـرغ در مغازه‌ها به نرخ ۴۸۰۰تومان به فروش برسد و با مرغ‌فروشانی که بیش از قیمت اعلام‌شـده مرغ را بـه فروش برسـانند برخورد قانونی خواهد شـد، این نرخ اعلام‌شده گویی به صرف مرغدارانی که دانه را با قیمت بالا خریداری کرده‌اند نیسـت و این شـد که تعـداد زیادی از مرغداری‌هـا تصمیم گرفتند مرغ‌های خود را به کشتارگاه نفرستند و نگه دارند تا به قیمت خودش بفروشند، این موضوع باعث شد که مرغ در استان گیلان به موضوعی حساس بدل شود و مردمی که مرغ جزو اصلی سبد غذایی آنهاست چند روزی آن را سر سفره نبینند و اکنون مدت دو روز است که تعاونی‌هـای مرغ، مرغ را به نرخ ۴۸۰۰تومان به فروش می‌رسـانند و همین امر باعث تشکیل صف‌های چندمتری در مقابل جایگاه فروش مرغ شـده است و مردم سـاعت‌ها در این هوای گرم ایستاده در انتظار رسـیدن نوبت خود و گرفتن سهم خود از مرغ هستند.

حسین یکی از مرغ‌فروشانی است که در محله پیرسـرا (یکی از بازارهای اصلی کلاشهر رشت) مغازه مرغ‌فروشی دارد. او درخصوص وضعیت مرغ چنین می‌گوید: چند روز که اصلا مرغ در مغازه من به فروش نرسـید، اما چند روزی اسـت که ۱۵۰کیلو در روز سهمیه من برای فروش تعیین شـده است که آن هم فقط برای بیکار نبودن در ویترین می‌گذارم چون اصلا نمی‌صرفد، ۴۴۰۰ از مرغدار می‌خرم با انعام و پول چایی که جزو عرف محسوب می‌شود به راننده و کارگر می‌دهم برایم کیلویی ۴۵۰۰تومان تمام می‌شد، این در حالی اسـت که من باید ۴۸۰۰تومان بفروشم خودتان قضاوت کنید با خدمـات پاک کردن مرغ و پول برق و...، کیلویـی ۳۰۰تومان می‌صرفد؟ این امر باعث شده که مرغ به بازار سیاه بیفتد و بعضی‌ها از آب گل‌آلود ماهی بگیرند متاسـفانه بعضی از همـکاران ما امروز مـرغ را کیلویی ۶۵۰۰تومان هم فروختند البته این را هم اضافه کنم که چند روز پیش یکـی از افرادی که مـرغ را به قیمت غیرتعاونی می‌فروخت دسـتگیر شـد و شنیدم جریمه سـنگینی را هم باید پرداخت کند ولی چند نفر را باید دستگیری کنند تا وضعیت بهتر شـود؟ تعجبم از این مردم است که مرغ کیلویی ۶۵۰۰تومـان را خریـداری می‌کنند و اعتراضی ندارند، به نظر من مرغداران حق دارند، چون وقتی دانه و غذای مـرغ را گران می‌خرند، چگونه باید ارزان‌تر بفروشـند؟ به نظر من چون صنعت مرغ استان یکی از بهترین صنعت‌های استان است و همین امر پای دلالان را به اینجا کشیده است.

محمود مرد میانسـالی اسـت کـه می‌گوید یک‌ساعت‌ونیم است که در صف منتظر رسیدن نوبتش اسـت: از سـاعت ۹صبح تا الان منتظرم تـا نوبتم برای خرید برسـد ولی نمی‌دانم تا کی باید اینجا سـرپا باشم، هم من و همه کسانی که اینجا هستیم به این وضعیت اعتراض داریم هم به قیمت، هم به این وضعیت. خودتان نگاه کنید صف تا کجا رفته است، من فکر کنم مرغ را باید با قیمت تعاونی به همین صورت و با همین طولانی بـودن صف‌ها از تعاونی‌ها تهیه کنیم وگرنه مرغ را از فروشگاه‌ها با این قیمت نمی‌توان یافت. من توانایی خرید مرغ به قیمت شـش‌هزار تومان را دارم ولی آن کارگری که حقوقش روزی ۱۰هزار تومان است هم می‌تواند مرغ کیلویی شش‌هزار تومان را بخرد؟

اما با توجه به ایـن گزارش‌های مردمی چند روز پیش معاون توسعه بازرگانی داخلی سازمان صنعت، معدن و تجارت گیلان از انعقاد تفاهمنامه با برخی تولیدکنندگان عمـده مرغ برای توزیع مناسـب آن در بازار خبر داد و گفت: براسـاس این تفاهمنامه که بین سـازمان صنعت و معدن تجارت گیلان با تعاونی مرغداران اسـتان و یکی از واحدهای بزرگ مرغداری منعقد شـد روزانه حدود ۴۰ تن مرغ گرم گیلان با قیمت چهارهزارو ۷۰۰ تومان توزیع می‌شود. مجید زیرک همچنین اعلام کرد که برای حمایت از واحدهای تولیدی در ازای هر کیلو گوشت مرغ دو کیلو سویا با قیمت ۹۰۰ تومان به مرغداران تحویل داده می‌شـود. ولی این دو کیلو سـویا هم عاملی نشده است تا مرغـداران مرغ‌هـای خود را به نرخ اعلام شـده به فروش برسـانند و وضعیت مرغ همچنان در بی‌خبری به سر می‌برد و این وضعیت زمان خوبی است برای سود جویانی که مرغ را بیشتر از قیمت آن به فروش می‌رسانند.

### سال گذشته ۱۵۰هزار ایرانی مبتلا شدند

# بیماری‌های دامی در کمین انسان

فریده عنایتی



**بیش از ۱۵۰هزار نفر در سال گذشته در ایران به انواع مختلف بیماری قابل انتقال انسان و دام (زئونوز) مبتلا شـده‌اند و از ایـن میان ۲۱ نفر بـه دلیل بیماری‌های مشترک دام و انسـان جان خود را از دست داده‌اند. در حالی که بیش از ۲۰۰ بیماری مشترک بین انسان و دام در دنیـا وجـود دارد، این ۱۵۰هـزار مورد ابتلا، فقط حاصل انتقال هفت نوع از مهم‌ترین بیماری‌های قابل انتقال بین انسـان و دام در کشـور بوده است. حیوان‌گزیدگی، هاری، سالک، تب خونریزی‌دهنده کریمه کنگو، سیاه‌زخم، کیست هیداتیک و تب مالت از جمله این بیماری‌هاسـت. مرکز بیماری‌های قابل انتقال انسـان و دام وزارت بهداشت و درمان، وظیفه هماهنگـی برای کنتـرل و راهنمایـی در برخورد با بیماری‌های مشترک بین انسان و دام را برعهده دارد و «دکتر محمد شـیرزادی»، رییس این مرکز است؛ مرکزی که برنامه‌ریزی می‌کند تا بیماری در وحوش کشور کنترل شود. ولی به گفته دکتر شیرزادی بروز این بیماری‌ها در افراد، از «تبعات عدم کنترل بیماری در سازمان‌های مربوطه» است. بعضی از این بیماری‌ها مانند هاری یا سـیاه‌زخم ریوی، صددرصد کشـنده هسـتند. بعضی دیگر مثـال بیماری تـب مالت که تاحدودی هم شیوع زیادی در کشور داشته، می‌تواند با ناتوانی قلبی‌ای که ایجاد می‌کند کشـنده باشد. با شیرزادی درباره بیماری مشترک انسان و دام، شیوع آن و اقدامات سازمان‌های دیگر در جلوگیری و بروز این بیماری‌ها در کشور گفت و گو کرده‌ایم.**

**↙ یکی از بیماری‌های قابل انتقال بین انسان و دام که به گفته شما در سال ۹۰، ۱۴هزار نفر مبتلا در ایران داشته، تب مالت است. این بیماری با چه نشانه‌هایی در فرد ظاهر می‌شود؟**

تب مالت، بیماری مخصوص دام‌هاست و انسان‌ها از طریق مصرف لبنیات غیربهداشتی و تماس با دام آلوده به این بیماری مبتلا می‌شوند. این بیماری بیشتر از اینکه کشنده باشـد، ناتوان‌کننده است. ولی ناتوانی قلبی آن می‌تواند منجر به فوت شود. سال ۹۰، ۱۴هزار نفر مبتلا به بیماری تب مالت داشـته‌ایم. این بیماری در شمال غربی کشور بیشتر وجود دارد.

**↙ بـا توجه بـه ابتـلای ۱۴هزارنفری به تـب مالت، اقدامات سازمان در مواجهه با آن‌چه بوده است؟**

آمـوزش جامعـه درخصوص عدم مصـرف لبنیات غیرپاسـتوریزه، عدم تماس بـا دام و ذبح غیرقانونی و غیربهداشتی دام و رعایت وسایل حفاظتی برای افرادی که با دام سرو کار دارند، می‌تواند از ابتلا به این بیماری جلوگیری کند. ولی کار اصلی را سازمان دامپزشکی باید انجام دهد و دام‌ها را واکسیناسیون کند.

**↙ سازمان دامپزشـکی تا چه حد در این امر موفق بوده است؟**

به طور نسبی دامپزشکی وظایفش را انجام می‌دهد. ولی به طور دقیق خیر. حالا ننویسـید که تب مالت در کشور به این دلیل است که سازمان دامپزشکی وظایفش را انجام نمی‌دهد. (خنده)

**↙ خـب اگر انجـام نـدادن دقیق وظایف سـازمان دامپزشـکی را علت ایجاد بیماری تب مالت ندانیم، وظیفه مرکـز بیماری‌های قابل انتقال انسـان و دام در وزارت بهداشـت چیسـت؟ آیا کنترل بیماری‌ها بر عهده شماست؟**

تبعـات بیماری‌های قابـل انتقال انسـان و حیوان به انسـان و وزارت بهداشـت برمی‌گـردد ولی کنترل این بیماری‌ها باید توسـط سایر ارگان‌ها مانند سازمان دامپزشکی انجام شـود. مرکز بیماری‌های قابل انتقال انسـان و دام هماهنگی‌هـای لازم را انجام می‌دهد. ما برنامه‌ریزی می‌کنیم که بیماری در وحوش کنترل شود. ولی تبعات عدم کنترل بیماری در سازمان‌های مربوطه باعث می‌شود که این بیماری‌ها در انسان‌ها دیده شود.

**↙ باز هـم در عدم کنترل بیماری به سـازمان‌های مربوطـه برخورد کردیـم که البته یکـی از آنها هم سـازمان دامپزشکی اسـت، مرکز بیماری‌های قابل انتقال انسان و دام دسـتورالعملی برای کاهش و به حداقل رساندن این بیماری‌ها دارد؟**

برای همه بیماری‌ها دستورالعمل کشوری وجود دارد تا همه سازمان‌ها بدانند در سیستم بهداشتی چطور عمل کنند. حتی برای اینکه سایر سازمان‌ها در مواجهه با این بیماری و برای کنترل آن چه اقداماتی باید انجام دهند هم دستورالعمل‌هایی وجود دارد.

**↙ اگر بخواهیم به طور کل درباره بیماری‌های قابل انتقال بین انسـان و دام صحبت کنیـم، به چه نوع بیماری‌هایی گفته می‌شـود و به چـه روش‌هایی به انسان منتقل می‌شود؟**

به بیمـاری‌ای که از مهره‌داران به انسـان‌ها منتقل شـود، بیماری قابـل انتقال بین انسـان و دام یا همان زئونوز گفته می‌شود. مثلا بیماری مالاریا چون از پشه به انسان منتقل می‌شود از جمله این بیماری‌ها نیست. این بیماری ممکن اسـت از طریق تماس با مهره‌دار مریض صـورت بگیرد یا از طریق یک بند پا به انسـان منتقل شود. اسـتفاده از فرآورده‌های دامی مبتلا هم راه دیگر انتقال است.

**↙ وزارت بهداشت باید برای این بیماری‌ها اقداماتی انجام داده باشد. با توجه به اقداماتی که انجام داده، پرهزینه‌ترین بیماری زئونوز کدام است؟**

حیوان‌گزیدگی و هاری پرهزینه‌ترین بیماری است چراکه هر سال وزارت بهداشت برای تهیه واکسن و سرم آن، ۹ تا ۱۲میلیارد تومان هزینه می‌کند.

**↙ با این میزانی کـه وزارتخانه هزینه می‌کند، مگر چند مورد ابتلا در هر سال وجود دارد؟**

سال ۹۰ در کل کشور، ۱۳۵هزار مورد حیوان‌گزیدگی گزارش شـد، که هفت مورد آن به مرحله هاری و فوت بیمار منجر شد. سالانه هم به طور متوسط پنج، شش مورد ابتلا به هاری یا همان حیوان‌گزیدگی منجر به فوت داریم.

**↙ ۱۳۵هزار مورد رقم بالایی است. وزارت بهداشت چه اقداماتی برای این بیماری انجام داده است؟**

چـون در وحوش ما هاری وجـود دارد و هر فردی که به هاری مبتلا شـود صددرصد می‌مـرد، هر مورد حیوان‌گزیدگی را مشکوک به هاری در نظر می‌گیریم. پس بالطبع اقدامات سـرم و واکسـن بـرای فرد انجام می‌شـود. در هر شهرسـتان، مرکز درمانی پیشگیری هاری وجود دارد. در کل کشـور ۵۰۰ مرکز مخصوص حیوان‌گزیدگـی وجـود دارد. این افـراد رایگان درمان می‌شوند.

**↙ چه بیماری‌هایی درمان رایگان دارند؟**

ما بیماری‌های زئونـوزی را رایگان درمان می‌کنیم که از انسـان به انسان هم سـرایت می‌کند. برای مثال بیماری سـالک چون از طریق خود انسان‌ها هم انتقال پیدا می‌کند پس مهم است. هاری هم به دلیل اینکه فرد مبتلا حتما می‌میرد رایگان درمان می‌شود.

**↙ اصـولا بیشـترین مـورد حیوان‌گزیدگی مربـوط به چه حیواناتی‌است؟**

سگ‌گزیدگی بیشـترین مورد حیوان‌گزیدگی در کشور بوده. بعد از آن گربه‌گزیدگـی قرار دارد ولی اسـب، الاغ و گاو هم دیده شـده است.

**↙ در کدام اسـتان‌ها بیشـتر دیده می‌شود؟**

استان گلسـتان بیشترین آمار حیوان‌گزیدگی را در کشور دارد. در آذربایجان غربی و اردبیل هم زیاد دیده می‌شود. به طور کلی، مناطقی که جمعیت روسـتایی بیشـتری دارنـد مـوارد حیوان‌گزیدگی هم بیشتر در آنجا دیده می‌شود.

**↙ بیمـاری‌ای کـه ایـن روزها بیشتر مطرح می‌شود و تلفات جانی به نسبه زیادی هم داشته، تـب خونریزی‌دهنـده کریمه کنگو بوده. این بیماری چگونه به وجود می‌آید؟**

چند روز بعد از ابتلا به بیماری تب خونریزی‌دهنده کریمه کنگو، خونریزی گوارشـی و زیر پوستی در فرد ایجاد می‌شود. اصولا این بیماری، در بـدن دام علایمی ندارد و زمانی که ذبح شود به بدن افرادی که درتماس با این حیوان و خون او بوده‌اند سرایت می‌کند.

**↙ بیشترین عامل انتقال این بیماری را چه می‌دانید؟**

۷۰ درصد بیماری تب خونریزی‌دهنده کریمه کنگو به علت ذبح غیربهداشتی دام است. مختصری به دنبال گزش کنه یا له کردن کنه با دست یا ابتلا از طریق انسان به انسان به وجود آمده است.

**↙ تلفات این بیماری تا به امروز چقدر بوده است؟**

سال ۹۰، ۷۹ مورد مبتلا به این بیماری داشته‌ایم که ۱۴ نفـر از آنها فوت کردند. به عبارتی تقریبا ۲۰ درصد مبتلایان به تب کنگو در سال ۹۰ فوت شدند. از ابتدای سال ۹۱ هم، ۶۶ مورد ابتلا با هشت مورد مرگ در رابطه با این بیماری داشته‌ایم.

**↙ تب کریمه کنگو در کدام مناطق کشـور بیشتر دیده می‌شود؟**

۷۰درصـد بیمـاری تـب کریمه کنگو در اسـتان سیسـتان و بلوچستان است. یکی از دلایلش این است که دام‌هایی غیرقانونی از مرزهای شرقی کشور وارد این استان می‌شود.

**↙ با توجه به این موضوع می‌توانیم بگوییم که تمام این تلفات هم در همان منطقه اتفاق افتاده؟**

البته بایـد توجه کرد با اینکه این بیمـاری در این استان زیاد است ولی تعداد کمتری منجر به فوت دارد چراکه در فصل گرما، در سیستان و بلوچستان هر بیمار تب‌داری که به پزشـک مراجعه کند در صورت داشتن دام، بـه عنوان مورد مشـکوک به بیمارسـتان منتقل می‌شـود. اقدامـات درمانی این بیماری رایگان اسـت. ولـی مرکز خاصی برای درمان آن وجـود ندارد و تمام بیماران به بیمارستان منتقل می‌شوند و تحت قرنطینه قرار می‌گیرند.

**↙ پس تب خونریزی‌دهنده کریمه کنگو هم مانند بیماری هاری و سالک رایگان درمان می‌شود. علت درمان رایگان این بیماری چیست؟**

خب این بیماری درسـت است که نسبت به هاری و سـالک موارد ابتلای کمتری دارد ولـی جان افراد و به‌خصوص پرسنل بیمارستان را می‌تواند به خطر بیندازد. به همین دلیل رایگان درمان می‌شود.

**↙ بیشـترین تلفات جانـی در این چند سـال گذشـته مربوط به کدام بیماری بوده است؟**

در دنیـا تـب خونریزی‌دهنده کریمه کنگو بالغ بر ۵۰ درصد فوتی ایجـاد می‌کند ولی در کشـور ما حـول و حـوش ۲۰درصد مرگ و میر به موارد مبتلا داشـته‌ایم که بیشترین تلفات را در بیماری‌های زئونوز داشته است.

**↙ اگـر ذبـح دام‌هـای آلـوده و غیرقانونـی و وجود حیوانات ولگرد را از منابع مهـم بیماری‌های زئونوز بدانیم، می‌توان ایجاد و شـیوع این بیماری‌ها را بـه علت نبود کنترل و نظارت حساب‌شده، دانست؟**

باید توجه کرد که برای بعضی بیماری‌ها کنترل معنی ندارد پس نمی‌توان چنین برداشتی را داشت. مثلا کنترل سالک خیلی بعید است چراکه موش‌ها را که عامل انتقال این بیماری هسـتند نمی‌توان از سطح کره زمین جمع کرد. درمورد حیوان‌گزیدگی‌ها هـم اقداماتی با شـهرداری‌ها و وزارت کشور انجام می‌دهیم که سگ‌های ولگرد را از بین ببرند ولی اگر همه سگ‌های ولگرد از بین برده شـوند شغال‌ها و روباه‌ها به روستاها حمله می‌کنند. اگر هم به حال خود رها شوند جمعیت سگ‌ها زیاد می‌شود. به همین دلیل همواره باید تناسبی بین این موجودات برقرار باشد.

**↙ بیماری‌های زئونوز، بیماری‌های جدیدی هستند؟ جدید بودن می‌تواند عاملی برای ناشناختگی بیماری و عدم توانایی کنترل بیماری باشد؟**

خیلی از این بیماری‌هـای زئونوز گروه بیماری‌های نوپدید و بازپدید هسـتند. ۶۰درصد کل بیماری‌هایی عفونی، بیماری زئونوز هستند، یعنی از حیوان مهره‌دار به انسان منتقل می‌شوند.

۷۵درصد این بیماری‌های زئونوز هم نوپدید هستند. یعنی در گذشته در منطقه نبوده‌اند و به‌تازگی به وجود آمده‌اند. در راس بیماری‌های نوپدید آنفلوآنزای پرندگان، سارس، جنون گاوی و آنفلوآنزای خوکی در انسان قرار دارد. بازپدیدها هم مانند تیفوس، یک‌دوره‌ای بوده، از بین رفته و دوباره ایجاد شده است.

**↙ علاوه بر این بیماری که نام بردید، چه بیماری‌های دیگری وجود دارد که ایران در معرض آن قرار داشته باشد؟**

«تب دنـگ» و «تـب دره ریفـت» از بیماری‌های نوپدیدی هستند که هنوز در ایران وارد نشده‌اند. ولی در کشورهای همسایه مانند عربستان سعودی و پاکستان وجود دارند. این بیماری در ۱۰ سال اخیر تقریبا در تمام دنیا دیده شـده. اگر این بیماری در کشور ما وارد شود تلفـات ۸۰ و ۹۰درصدی در بین گوسـفندان دارد که خسارت اقتصادی زیادی به بار می‌آورد.

**↙ چرا این بیماری‌ها درکشور ما دیده نشده است؟**

شـاید چون هنوز شرایط ابتلای آن به وجود نیامده است. یا در نقاطی در کشور وجود دارد ولی چون تعداد آن کم و ناشـناخته اسـت هنوز گزارشـی در مورد آن نداشته‌ایم.

**↙ در شهرنشـینی داشـتن دام معنی نـدارد ولی هستند افرادی که حیوانات خانگی مانند سگ، گربه و پرنده نگهداری می‌کنند. در رابطه با این حیوانات خانگی بیماری‌هایی وجود دارد که خطرناک باشد؟**

مهم‌ترین و بیشترین بیماری‌ای که حیوانات خانگی دارند حساسیت‌های پوسـتی و آسم است. گال و کک هم از دیگر بیماری‌هایی است که ممکن است از گربه به انسان سرایت کند. عفونت‌های دستگاه گوارش و ضایعات قارچی هم از پرندگان به انسان‌ها سرایت می‌کند. البته بیماری عفونت‌های انگلی و هاری هم ممکن اسـت از طریق آنها به انسان سرایت کند.

**↙ حیوانات خانگی واکسن دریافت می‌کنند، چطور ممکن است که این حیوانات هاری داشته باشند؟**

درست است که حیوانات خانگی اغلب واکسن‌های هاری دریافت می‌کنند ولی ممکن اسـت مورد گزش حیوان دیگری قرار گرفته باشند. گزیدگی هم حتما گاز گرفتن نیست خراشیدگی هم می‌تواند باعث هاری شود.

**↙ بـا توجه به این بیماری‌هایی که به گفته شـما از حیوانات خانگی به انسان‌ها منتقل می‌شود، به طور کلی آماری از حیوانات خانگی وجود دارد؟**

ایـن آمار مربوط به سـازمان دامپزشـکی اسـت. دامپزشـکی هم براساس اولویت‌هایشـان بیماری‌ها را مدنظر قرار می‌دهند هم از بعد بیماری‌های که به انسان منتقل می‌شود و هم از بعد بیماری‌های که خود حیوانات را تهدید می‌کند.

**↙ سـال گذشـته چند شـیر باغ وحش به دلیـل ابتلا به بیماری مشمشـه کشـته شـدند. این بیمـاری هم از بیماری‌های قابل انتقال انسان و دام است. در سال گذشته موردی از ابتلای این بیماری به انسان گزارش نشد؟**

بیماری مشمشـه در انسـان می‌تواند عفونت ریوی منجر به فوت ایجاد کند ولی سال گذشته که باغ وحش با چند مورد شـیرهای مبتلا به مشمشـه داشتیم به انسان‌ها سرایت نکرد. بالغ بر ۴۰، ۵۰ سال است که مورد انسانی بیماری مشمشه نداشته‌ایم.

**↙ این بیماری تا چه حد می‌تواند خسارت مالی به بار بیاورد و مهم باشد؟**

بیماری مشمشـه مخصوص بیماری تک‌سـمی‌ها مانند الاغ، اسـب و قاطر اسـت. در گربه‌سـانان هم به دلیل خوردن گوشت این تک‌سمی‌ها ایجاد می‌شود. در مواجهه با بیماری مشمشه اگر دامی مبتلا شده باشد باید به طور کل معدوم شود. شاید ابتلای یک الاغ زیاد مهم نباشد ولی ابتلای اسبی که ۲۰۰میلیون تومان قیمت دارد، می‌تواند خیلی مهم باشد.

**↙ حیوانات جدیدی مانند فیل، کروکدیل و کانگرو که باغ وحش به تازگی می‌خواهد وارد کند از نظر این بیماری‌هاسنجیده‌می‌شوند؟**

برای ورود هر حیوانی از کشوری به کشور دیگر باید ضوابط سازمان جهانی بهداشـت دام رعایت شود و در نهایت اگر سلامت دام از سوی کشور واردکننده پذیرفته شده باشد، انتقال انجام می‌شود پس می‌توان گفت که جای نگرانی وجود ندارد.

**بیش از ۲۰۰ بیماری مشترک بین انسان و دام در دنیا وجود دارد، این ۱۵۰هزار مورد ابتلا، فقط حاصل انتقال هفت نوع از مهم‌ترین بیماری‌های قابل انتقال بین انسان و دام در کشور بوده است. حیوان‌گزیدگی، هاری، سالک، تب خونریزی‌دهنده کریمه کنگو، سیاه‌زخم، کیست هیداتیک و تب مالت از جمله این بیماری‌هاست**



نگاه

## پالایشگاه چیزی از «میانکاله» باقی نمی‌گذارد

میترا البرزی‌منش*

■ تـالاب بین‌المللی میانکالـه یکـی از باارزش‌ترین زیستگاه‌های ایران اسـت. این تالاب در مرکز دو مسیر مهم مهاجرت جهانی پرندگان قرار گرفته است که هرساله از پاییز تا اوایل بهار میزبان تعداد قابل توجهی از پرندگان مهاجر است. به علاوه میانکاله زیستگاه دایمی گونه‌های نادری مانند قرقاول و بسیاری دیگر از پرندگان بومی ایران اسـت. این تالاب با این ویژگی‌هایـش دارای جاذبه‌های گردشگری در سطح بین‌المللی است و از دیدگاه ملی نیز دارای اهمیت درجه اول طبیعت‌گردی است.

حفاظت از این جاذبه‌های طبیعی و برنامه‌ریزی برای طبیعت‌گردی می‌تواند منبـع درآمد قابل توجهی برای اهالی منطقه و در سـطح ملی باشـد. متاسفانه احداث تاسیسات غول‌آسـای صنعتی مانند بندر چندمنظوره امیرآباد و اخیرا نیز تصویب احداث پالایشگاه در جنب این تالاب بین‌المللی کاملا می‌تواند به این زیست‌بوم آسیب برسـاند. امروزه باید اثرات زیسـت‌محیطی صنعتی که احتمال بروز آلایندگی در آن وجود دارد، قبل از احداث ارزیابی شود و به این سوال پاسخ داده شود که آیا احداث واحدهای صنعتی در مکان مورد نظر، صحیح اسـت یا خیر؟ ایجاد پالایشـگاه با توجه بـه پیامدهای آن مانند انتشار آلاینده‌هایی مانند آمونیاک، تولید پساب‌های نفتی و شیمیایی، آلودگی صوتی، سوزاندن گازهای تفکیکی، جمع شدن مواد زاید شیمیایی، ایجاد زباله‌های صنعتی، افزایش حمل‌ونقل جاده‌ای، تخریب مناطق ساحلی، ورود پساب‌هایی که از این واحدها وارد دریا می‌شوند و نشت موادی نظیر جیوه و آرسنیک و گوگرد می‌تواند به شدت به تالاب بین‌المللی میانکاله و همچنین دریای مازندران که هر دو زیستگاه‌های آسیب‌پذیر و در شرایط کنونی نیز در وضعیت نابسامانی قرار دارند آسیب وارد کند.

در انتخاب مکان احـداث صنایع توجه به مطالعات آمایش سـرزمین بسـیار مهم اسـت. مطالعات آمایش سرزمین که در سال ۱۳۶۳ انجام شده است استان‌های شمالی کشـور را به جهت استقرار صنایع پتروشیمی و پالایشـگاهی کاملا نامناسب تشـخیص داده است زیرا مواد اولیه این صنایع باید از جنوب کشور تا شمال انتقال یابد. دوم اینکه این صنایع بهتر اسـت در توزیع مناسب جمعیت کشـور نقش تعادلی ایفا کنند که در شـرایط کنونی استان‌های شمالی از جهت تراکم جمعیت بیش از سایر نقاط کشور بار جمعیتی دارند. و سوم اینکه مناطق سـاحلی دریای مازندران به‌ویژه جنب تالاب بین‌المللی میانکاله از حساسیت بسیار بالای محیط‌زیستی برخوردار است.

اینکـه گفته می‌شـود در احداث این پالایشـگاه از اسـتانداردهای یورو ۵ استفاده می‌شود در پاسخ باید به مشکلات کنونی کشور از دیدگاه تحریم‌ها و جابه‌جایی ارزی اشاره کرد که عمل به این موضوع را کاملا غیرقابل قبول می‌کند. هم‌اکنون بسـیاری از بخش‌های صنایع نفت و گاز از ماشـین‌آلات دسـت دوم ساخت اوکراین یا روسیه استفاده می‌کنند و دستیابی به استانداردهای یورو۵ به نظر واقع‌بینانه نیسـت. یک نمونه از اسـتفاده از تکنولوژی‌هـای دسـت دوم و فرآورده‌های خطرناک، استفاده از ماده MTBE است که به عنوان یک افزودنی، به بنزین اضافه می‌شـود. در مـورد این ماده حتی بین جامعه علمی نیز مناقشـه و چالش وجـود دارد؛ عده‌ای MTBE را آلوده‌کننـده می‌داننـد و بر همین اسـاس شـرکت پالایش و پخش، مصـرف آن را محدود کرده و در دنیـا نیز روند مصرف آن رو به کاهش اسـت ولی از طرف دیگر، شرکت ملی صنایع پتروشیمی ظرفیت تولید آن را چندبرابر کرده و برنامه‌هایی برای احداث واحدهای جدیـد تولید این ماده تدوین می‌کند. مصرف MTBE توسط EPA آمریکا مرگبار اعلام شده است. نمونه دیگر، محصولات پلیمری که در حال حاضر تولید می‌شود، از مونومرها و مواد اولیه آلی خطرناکی ساخته می‌شود که بسیار سرطان‌زاست. بخشی از این مواد در پروسه تبدیل مـواد اولیه به محصول، در پلیمـر باقی می‌مانند که در پایان فرآیند، دفع شـده و منجر بـه آلودگی‌های فراوان زیست‌محیطی خواهندشد.

در صنایع پتروشیمی و پالایشـگاهی، امکان ایجاد آلودگی در سه مرحله «جمع‌آوری مواد اولیه»، «تولید و تبدیل مواد واسطه» و «جمع‌آوری و انبار مواد تولیدشده»، وجود دارد. آلوده شـدن آب‌ها به مواد شیمیایی مختلف و مضر غیرقابل تجزیه، هیدرولیز شـدن تخم موجودات آبزی، بارورنشدن و ازبین رفتن آبزیان در مرحله نوزادی و از بین رفتن امنیت شغلی صیادان دریای مازندران از دیگر آسیب‌های احداث پالایشگاه در جنب میانکاله و دریای مازندران است. انتشار بو و گازها در محیط اطراف تمامی پالایشـگاه‌های ایران مانند پالایشـگاه‌های جنوب قابل مشاهده است. نشت به آب‌های زیرزمینی مانند اتفاقاتی که در پالایشگاه تهران رخ داد از حوادث قابل پیش‌بینی در این صنایع است.

در مورد تمهیداتی که سـازمان محیط‌زیست اعلام می‌کند رعایت خواهد شـد یا باید قسم حضرت عباس را باور کرد یا دم خروس را. دم خروس، از آنچه در سـایر پالایشگاه‌ها و صنایع پتروشیمی اتفاق افتاده است کاملا مشهود اسـت. در عسلویه مرجان‌های طبیعی از طریق دینامیت منفجر و تخریب شده‌اند، خلیج نایبند به تدریج به مرداب تبدیل شـده و خورموسی نیز که منطقه ویژه ماهشـهر با مجتمع‌های عظیم پتروشـیمی درکنار آن احداث شده، به‌دلیل تعویض کل آب آن در هر پنج سال یک‌بار، بر اثر آلودگی مجتمع‌ها به مرداب تبدیل خواهد شـد. بنابراین این مشکلات، گواهی بر عدم توجه کافی صنایع پتروشیمی نسبت به جایگیری صحیح مجتمع‌ها و همچنین نشان‌دهنده عدم دقت کافی و توان کارشناسی سازمان حفاظت محیط‌زیست در این زمینه است.

*کارشناس ارزیابی محیط زیست